

رئیس موسسه تاریخ و فرهنگ دانشگاه تبریز: اساتید تاریخ جمهوری آذربایجان به ادعاهای بی اساس تحریف گر...

در جمهوری آذربایجان شاهد نوعی ابتذال تاریخی هستیم که به موجب آن هر کس می تواند تاریخ را منطبق با منافع سیاسی و مادی خود تحریف نماید

g/Aran agentliyi

خبرگزاری آران / سرویس ایران

به گزارش خبرنگار آران نیوز؛ دکتر محمد علی پریغو از اساتید تاریخ دانشگاه تبریز و رئیس موسسه تاریخ و فرهنگ این دانشگاه که در نشست علمی «نگاهی به تاریخ کهن ایران» سخن می گفت با اشاره به برگزاری برخی سمینارهای ضد ایرانی در جمهوری آذربایجان و برخی ادعاهای مطرح شده در این نشستها گفت: «گرچه این گونه برنامه ها که معمولا به سفارش صهیونیستها برگزار می گردد به دلیل ماهیت غیر علمی خود شایسته توجه نیستند، لیکن از اساتید تاریخ جمهوری آذربایجان انتظار اینست که در مقابل ادعاهای باطل تاریخی مطرح شده؛ عکس العمل نشان داده و اجازه ندهند تا برخی افراد مغرض و بی اطلاع از تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان در این خصوص شبهه افکنی نمایند».

پریغو با اشاره به برخی ادعاهای بی اساس تحریف گران تاریخ مانند ادعای تقسیم آذربایجان در نتیجه قرار دادهای گلستان و ترکمنچای به دو بخش جنوبی و شمالی و مضحک تر از آن ادعای این افراد در خصوص مطرح نبودن عنوان ایران تا روی کار آمدن رضاخان گفت: متأسفانه در جمهوری آذربایجان شاهد نوعی ابتذال علمی و تاریخی هستیم که به موجب آن هر کس می تواند تاریخ را منطبق با منافع سیاسی و مادی خود تحریف نماید و متأسفانه در این میان دانشمندان منصفی مانند مرحوم اقرار علی یف که به این وضعیت اعتراض می کنند بایکوت می شوند.

رئیس موسسه تاریخ و فرهنگ دانشگاه تبریز با بیان اینکه زبان علم بهترین زبان برای گفتگوی میان ملت‌هاست، تصریح نمود: آمادگی داریم به منظور تنویر افکار عمومی در خصوص حقایق تاریخی؛ بین اساتید تاریخ دانشگاه های ایران و جمهوری آذربایجان مناظرات علمی برگزار نمائیم.

وی در ادامه این نشست گفت: لازم می دانم برای یاد آوری حقایق تاریخی به همکاران دانشگاهی خود در جمهوری آذربایجان مطالبی در خصوص تاریخ حدود سه هزار ساله ایران بیان نمایم.

این استاد دانشگاه سپس با ارائه مقاله ای علمی تحت عنوان «ایران در اسناد تاریخی و ادبی» تصریح نمود: «نام ایران برگرفته از اقوام آریایی می باشد که در هزاره دوم ق. م. و اوایل هزاره اول ق. م. به فلات ایران آمدند. در اوستا این نام به شکل «ایران ویج» آمده است. کلمه ایران در دوره هخامنشی به صورت «ایریا» Airya به کار می رفت. در عهد اشکانی و ساسانی به صورت «ایران» Iran» و اغلب همراه با کلمه «شتر» shatr» استعمال می شد. «ایران شتر» تقریباً معنای «ایران شهر» امروزی را داشت.

بعد از سقوط امپراطوری ساسانی و الحاق ایران به قلمرو اسلامی برای مدتی کاربرد کلمه ایران برای جغرافیای خاص به فراموشی سپرده شد، با این حال باز در آثار جغرافی دانان و تاریخ دانان و ادبای مسلمان کلمه ایران در اشاره به حوادث تاریخی قبل از اسلام مورد استفاده بود.

فردوسی در شاهنامه می گوید: «به ایرانیان زار و گریان شدم ز ساسانیان نیز بریان شدم»

همچنین در مروج الذهب (صص 232 و 238) و التنبیه و الاشراف (صص 38 و 341) مسعودی (349 و 283 ه. ق. / 957 و 896 م. ndash) در اشاره به تاریخ قبل از اسلام از عنوان ایران و ایرانی استفاده شده است.

در مسالک و ممالک اصطخری (درگذشته 346 ه. ق. / 957 م.) (صص 5 و 11) و الالعلاق النفیسه ابن رسته (درگذشته حدود 290 ه. ق. / 903 م.) (صص 119 و 121 و 191) برای اشاره به ایران از عنوان «ایران شهر» استفاده شده است.

در دوره غزنوی یوحنیه اسکافی در قصیده ای که برای سلطان ابراهیم غزنوی (حکومت 429 و 450 ه. ق. / 1099 و 1058 م. ndash) سروده، چنین می گوید:

«و ایران میر عرب و شاه عجم قصه موجز به سلطان جهان ابراهیم»

«خسرو ایران تویی و بودی و باش گرچه فرودست غزه گشت به عصیان»

نظامی گنجوی (607 و 535 ه. ق. / 1210 و 1141 م. ndash) در خمسه خود می نویسد:

«نه بر جنگ از ایران زمین آمدیم به مهران خاقان چین آمدیم»

«جهاندار دارا در آن دآوری طلب کرد از ایرانیان یآوری»

در کتاب «سیره جلال الدین یا تاریخ جلالی» نوشته نورالدین محمد زیدری نسوی (درگذشته 647 ه. ق. / 1249 م.) که درباره اقدامات و زندگی سلطان جلال الدین خوارزمشاه می باشد در بحث از تاریخ قبل از اسلام از کلمه ایران استفاده شده است.

از دوره ایلخانی با سقوط خلافت عباسی و ایجاد وحدت سیاسی در تحت حکومت ایلخانی استفاده از عنوان ایران برای اشاره به محدوده حکومتی ایلخانان مورد استفاده قرار میگیرد و عناوین ایران و ایران زمین به عنوان مفاهیم جغرافیایی و سیاسی از نو احیاء می گردد.

در جامع التواریخ رشید الدین فضل اله (717 و 648 ه. ق. / 1317 و 1250 م. ndash) به عبارات و اصطلاحاتی چون (ملک ایران)، (ایران زمین) و (ایران) فراوان برخورد می کنیم.

مارکوپولو (724 و 652 ه. ق. / 1324 و 1254 م. ndash) سیاح ونیزی در سفرنامه خود چنین نوشته است: «ایران سرزمینی است بس پهناور که در ازمنه کهن بسیار معتبر و مهم بوده است اما اکنون تاتارها آن را ویران نموده اند.»

بعد از ایلخانان کاربرد نام ایران برای نامیدن جغرافیای ایران شیوع تمام یافت اگرچه بعضی مواقع از اصطلاح «ممالک محروسه» استفاده می شد اما روشن است که مقصود همان «ممالک محروسه ایران» بوده است.

در کتابهای روضه الصفا تالیف میرخواند (903 و 837 ه. ق. / 1497 و 1433 م. ndash) و حبیب السیر تالیف خواندمیر (948 و 880 ه. ق. / 1540 و 1475 م.) (صص 367 و 391 و 568 و 641) نام ایران به همان مفهوم جغرافیایی و سیاسی امروزی بکار رفته است.

در اشعار ترکی سیدعمادالدین نسیمی (796 و 747 ه. ق. / 1394 و 1346 م. ndash) که مربوط به اوایل دوره تیموری هستند آمده:

«ملک ایران، ملک توران، ملک هند و ملک سند ملک شامم، ملک قیصر رومی ام، تکفورو یام»

هم منم بغدادیله شط، هم خلیفه، هم زمان هم انا الحق سویله رم، هم دار، هم منصورویام»

ملاپناه واقف (1193-1129 ه. ق. / 1779-1717 م.) می گوید:

«ختا و ختنیم، چینیم، یمینیم! هندوستانیم، روموم، ایرانیم منیم»

« ایران ایله توران، حلب و مکه، مدینه بونلاردا بنله سنجیله بین جان اله دوشمز»

در پی جنگهای ایران و روس در ابتدای قرن نوزدهم میلادی و از دست رفتن قفقاز در عهدنامه ترکمنچای از فتحعلی شاه قاجار با عنوان « پادشاه اعظم با اقتدار ممالک ایران » یاد شده است. حتی بعد از جدایی قفقاز از ایران نویسندگان و ادبای آن سامان لحظه‌های ایران را فراموش نکردند و همیشه محبت ایران و ایرانی را بدل داشتند. برای نمونه میرزا علی اکبر صابر (1329 & 1279; ndash; ق. / 1862 & 1911; ndash; م.) اشعار زیادی درباره ایران و ایرانی دارد :

« صد شکر کی اولدی نور باران مشروط ایله بوخاک ایران

ظلمون ستمین چراغی سؤندی ایران یئنه بیر بهشته دؤندی »

میرزا جلیل محمدقلی زاده نیز موضوع اغلب نوشته های خود را به ایران و مسائل آن اختصاص داده بود و حتی بمدت یکسال (در 1921 میلادی) مجله اش & ndash; ملانصرالدین & ndash; را در تبریز منتشر ساخت.

بنابراین اصطلاح ایران از حدود سه هزار سال قبل برای نامیدن کشورمان به کار رفته و در دوره ی بعد از اسلام نیز علی رغم اینکه برای مدتی وحدت سیاسی و جغرافیای ایران از بین رفت، باز نام ایران بجای ماند و در کتابهای تاریخی و جغرافیای و ادبی کماکان بکار رفت؛ تا اینکه در دوره ایلخانی به طور قطع نام ایران به عنوان نام جغرافیایی و سیاسی این سرزمین احیاء گردید و اصولاً بعد از مغول اصطلاح دیگری برای نامیدن کلیت این مرز و بوم کاربرد نداشته است. هر کسی نیز که حکومت این سرزمین را بدست می گرفت، حتی اگر از خارج از مرزهای ایران نیز آمده بود، خود را به عنوان پادشاه و سلطان ایران می نامید و سعی داشت دیگران او را به این عنوان بشناسند.

دکتر محمد علی پیرغو در پایان مطالب علمی خود با ابراز تاسف از اینکه الفبای مردم جمهوری آذربایجان به دفعات عوض شده و غالباً امکان استفاده مستقیم از کتب تاریخی و ادبی حتی مفاخر گذشته خود را ندارند، تعدادی کتب منبع برای استفاده اساتید و نخبگان آذری معرفی نمود که عبارتند از :

- جامع التواریخ؛ رشید الدین فضل اله، به اهتمام: آ. آ. روماسکویچ و ل. آ. ختاقوروف و ع. ع. علی زاده، انتشارات دانش، مسکو، 1965.

- سیره جلال الدین یا تاریخ جلالی؛ نورالدین محمد زیدری نسوی ترجمه: محمدعلی ناصح، سعدی، تهران، 1366.

- تاریخ بیهقی؛ ابوالفضل محمد بیهقی، تصحیح: عزیزا... علیزاده، فردوسی، تهران، 1387.

- دیوان اشعار ترکی سیدعمادالدین نسیمی؛ تصحیح: ج. م. صدیق، اختر، تبریز، 1387.

- دیوان اشعار ترکی ملاپناه واقف؛ تصحیح: حسین محمدزاده صدیق، اختر، تبریز، 1388.

- هوپ هوپ نامه؛ میرزا علی اکبر طاهرزاده صابر، فرزانه، تهران، 1349.

- جلیل محمد قلی زاده نین سئچیلیمیش اثرلری؛ میرزا جلیل محمد قلی زاده، آذربایجان دولت نشریاتی، باکو، 1967.

- کلیات نظامی گنجوی؛ تصحیح: وحید دستگردی، پیمان، تهران، بی تا.

- سفرنامه مارکوپولو؛ ترجمه: منصور سجای، بوعلی، تهران، 1390.

- تاریخ روضه الصفا؛ میرخواند، کتابفروشی مرکزی، تهران، جلد 6، 1339.

- حبیب السیر؛ خواند میر، تصحیح: محمدعلی جراحی، نشر گستره، تهران، 1370.

- مروج الذهب؛ علی بن حسین مسعودی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1344.

- التنبیه و الاشراف؛ علی بن حسین مسعودی، بنگاه ترجمه، نشر کتاب، تهران، 1349.

- العلاق النفیسه؛ ابن رسته، امیرکبیر، تهران، 1365.

- مسالک و ممالک؛ ابراهیم بن محمد اصطخری، بنگاه ترجمه، نشر کتاب، تهران، 1347.

- لغت نامه دهخدا.

- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد دهم.

دکتر محمدعلی پیرغو در پایان یاد آور شد: آنچه گفته شد و کتابهایی که معرفی گردید تنها قطره ای از مطالب و منابعی هستند که می توانند بطلان ادعاهای بی اساس تحریف گران تاریخ در جمهوری آذربایجان را مشخص نماید.